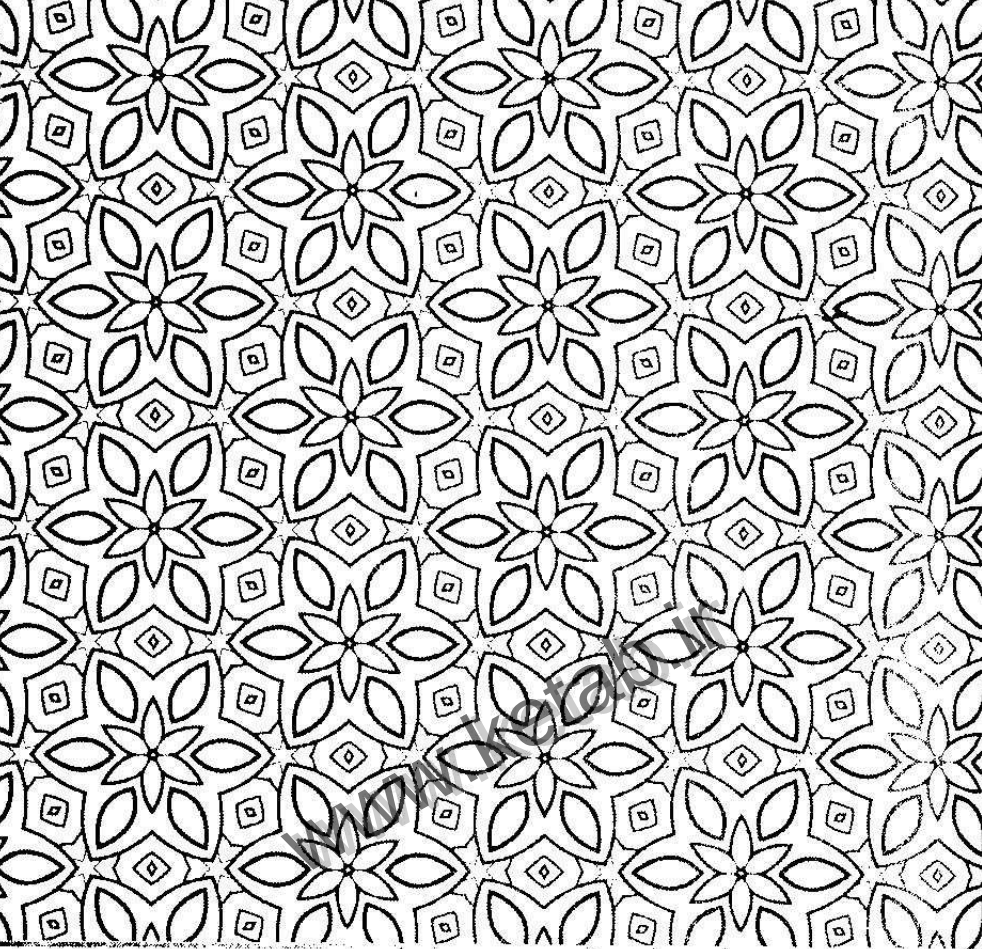




دوازده سال بردگی

| سالومون نورثاپ |

| ترجمه علی قائمی خوش‌بین و فرحناز باغانی |



دوازده سال بردگی

سرشناسه: نورثاپ، سالومون. ۱۸۰۸ - ۱۸۶۳ م.

Northup, Solomon

عنوان و نام پدیدآور: دوازده سال بردگی (سالومون نورثاپ) ترجمه علی قائمی خوش بین، فرحناز باغانی، ویراستار آل برت فرح بیخس.

مشخصات نشر: تهران: افق بی پایان، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۱۸ ص. ۱۴/۵x۲۷/۵ س. م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۲-۰۸۱-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Twelve years a slave. ۲۰۱۴.

موضوع: نورثاپ، سالومون. ۱۸۰۸ - ۱۸۶۳ م.

Northup, Solomon

موضوع: بردگان -- ایالات متحده -- سرگذشتنامه

Slaves -- United States -- Biography

بردگان -- آثار و نوشته‌های آمریکایی

Slaves' writings, American

سیاهان ایالات متحده -- سرگذشتنامه

African Americans -- Biography

شناسه افزودن: قائمی خوش بین - qaemi, ali - ۱۳۶۹.

شناسه افزودن: باغانی، فرحناز، ۱۳۷۲.

رده بندی کنگره: E۴۴۴

رده بندی دیویی: ۳۰۶/۳۶۲۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۵۷۳۲۳

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

دوازده سال بردگی: سالومون نورثاپ | ترجمه علی قائمی خوش بین و فرحناز

باغانی | مدیر فرآیند نشر: علیرضا خسروی | دبیر مجموعه: مهدی خسروی

ویراستار: آل برت فرح بیخس | نوبت و سال چاپ: اول، ۱۴۰۱ | ناشر: افق بی پایان

تیراژ: ۵۰۰ نسخه | قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان | شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۲-۰۸۱-۰

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، مرکز خرید دانشگاه، پلاک ۵

تلفن تماس: ۶۶۹۵۷۳۵۳ - ۶۶۹۵۷۳۳۵

ایمیل: ofoqbp@gmail.com | وب سایت: www.ofoqbp.com



مقدمه

پایتخت کشوری بود (تأخیر از افولش) که به غیر از بقیه به مردمش هم گفته بودند دولتش بر پایه حق انسان در زندگی اش و آزادی و خوشبختی اش بنا شده است. حال آن که ساختمان در کار یکی از خیابان های اصلی واشنگتن غیر از آن که ظاهر ساختمان، تمیز و شبیه یک ملک خصوصی که هیچ گاه نمی شد تصور کرد چه جنایاتی درون همین ساختمان مرتکب می شوند. عجیب بود! پناهگاه برده ها در زیر سایه ساختمان کنگره بود که در آن نمایندگان وطن پرستی، دم از آزادی و برابری می زدند. آن جا پناهگاه برده ها ویلیامز در سال ۱۸۴۱، بوده است.

هنوز درباره بی عدالتی و ظلم انسان ها نسبت به یکدیگر چیزی نیاموختند، پول و حرص پول دار شدن چه قدر می تواند بعضی از انسان ها را پست و حیوانی کند. به همین علت و شرایط موجود نمی توانند خطاهای سیستم برده داری را متوجه شوند. چون در شرایطی همچون پدران شان رشد کردند و به جای آن همه افکاری عنکبوت تارانه بر جهان ولی هرگز به

چنین موضوع‌هایی نیاندیشیده‌اند. بدون ارزش و برابری با کنیسه، کلیسا، مسجد و معبدی ولی باور می‌کنند که در ۴ ژوئیه ۱۷۷۶، اعلامیه استقلال سیزده مستعمره‌نشین را که در حال جنگ با بریتانیای رو به افول از اربابی دنیا بودند به تصویب کنگره قاره‌ای رساندند تا به صراحت از تصمیم این مستعمره‌نشین‌ها به جدایی از امپراتوری بریتانیا سخن بگویند. هدف این اعلامیه که توسط توماس جفرسون نوشته شده بود، توضیح سقوط واقعیت بریتانیا و بعد هم خودشان را به طور رسمی به جهانیان بوده، بی آن‌که مهمی را بر همگان رسانده باشند که همه انسان‌ها آزاد و برابر، خلق شده‌اند.

هم چنین بدانند از این همه ناکارآمدی دولت مردان یکی دو دهه قبل و بعد هزاره جلومید که دنیای امروزه را به چنین روزگاری رسانده‌اند. شاید خبردار کسوف قهر آسمان‌نشین‌ها با زمینی‌ها شدند از آن‌طور فراموشی خدا و فردای این دنیا که این‌طور دل‌خوشند از غرق شدن در رفاه تکنولوژی و پذیرای مدرنیته که این‌طور بی‌توجه به فرو ریختن اسطوره‌ها و باورهای شان مثل خیلی چیزهایی که نمی‌دانند بر سرشهر فروپاشی نشستند.

پیشگفتار

هر چه در کتاب‌های فرهنگ لغات و معانی گشتم نتوانستم واژه‌ای هم معنا و آمیخته‌تر با روح انسان پیدا کنم از آن که مانند آزادی کامل باشد. معنی و واژه‌ای تا در هر نقطه از زمین، در هر فرهنگ و آیین هر زبانی که باشد با هر نژاد و رنگ پوستی، حسی زیبا و خوش آیند را در انسان تداعی کرده باشد. همان‌طور که می‌دانیم تفسیرهای متفاوتی از آن وجود دارد، تا جایی که در شکل و نوع آن، تفاوت‌ها بسیار است. اما در نهایت، پست‌ترین نوع آن را می‌توان به بالاترین درجه در بردگی ترجیح داد. هر چه جست‌وجویی در تاریخ کنید، چیزی زیباتر از داستان‌های آزادگی و آزادمردی‌های نوع بشر نمی‌توان پیدا کرد که همواره نسبت به آن احساس غرور داشته باشید.

حال، این آزادمردی‌ها می‌تواند از جنس حسین (ع) باشد در مقابل ظلم یزید، یا نلسون ماندلا، باشد در مبارزه برای حقوق نژاد سیاهان و بشریت، یا جوزیا وج وود، باشد در خلق هنر جایگاه آدمیت، یا رزا گارکس، معترض باشد. حتی مارتین لوتر، قدیس و مدافعه مظلوم یا مارتین

لوتر کینگ، فریادرسان سیاهان باشد، یا مادر ترزای مهربان و قدیسه، یا حتی گاندی بزرگ برای استقلال هند و محرومان جهان. هم چنین می تواند بنویسد مثل سالومون نورثاپ، در کتاب پیش روی شما... یا هزاران انسان آزاد و آزادی خواهی در جایی از این جهان باشد. اما در نهایت، هدف واحد است همان برابری و آزادی برای همه....

شاید من و بسیاری از دوستانی که نوشته حاضر را می خوانند. در نظر خود، ممکن است بردگی را فقط در دوران باستان یا در فیلم های تاریخی و یا در نهایت در نظام برده داری آمریکا در قرون گذشته آن هم با نوستالژی از کتاب ادبیات دوره دبیرستان و داستان کلبه عموتام به یاد آورده باشیم. به همین دلیل چه خوب که در سخن آغازین این نوشتار اشاره کوتاهی به تاریخ برده داری و اوضاع آن داشته، تا جهان پیرامونی خود را قدری بهتر لمس کرده باشیم.

برده داری شکلی افراطی و نابرابری اجتماعی است که در آن، کرامت انسانی نادیده گرفته، شخص به عنوان کالا و ابزار مورد استفاده منابع قدرت و ثروت قرار می گیرد. برده داری، یکی از موضوع هایی است که با زندگی انسان از ابتدا گره خورده، پیشینه ای بسیار دور دارد. تاریخ جهان نشان داده است که مصر و یونان باستان با پدیده برده داری به تحولات عظیم و سازه های غول آسا دست یافته اند. امروزه، اروپا و آمریکا (در فراموشی افول شان) با تنزل مقام انسان ها (به خیال خودشان) توانسته اند کشاورزی و جنگ ها را تبدیل به عملی سودبخش کنند.

مسئله برده داری تا سده پیش، پررنگ تر از امروز بوده. اما امروزه راه و روش خود را عوض کرده، همچنان که خود را به شکل های مختلف نمایش

می‌دهد. مانند: کار اجباری بدون دستمزد، به‌خصوص در مورد کودکان و زنان در بخش‌هایی از جهان پیشرفته؛ بهره‌کشی از کسانی که گرفتار قاچاقچیان انسان شده‌اند، سوءاستفاده از کودکان به‌ویژه در زمان جنگ، ازدواج اجباری دختران نوجوان در ازای پول و به‌کارگماردن افراد در مشاغل سخت به‌منظور بهره‌برداری مالی و هر چه ثروت‌اندوزی.

برده‌ها دیگر مانند گذشته ممکن است غل و زنجیر به پا و حلقه بر گردن نداشته باشند. هم‌چنین داغی هم بر پیشانی‌شان نباشد. اما برده‌داری مدرن، زنجیرها را در اندیشه افراد نهادینه کرده است. در کنار خیابانی شیک و مدرن اروپا یا بخش‌های زیادی از آمریکا ممکن است برده‌ای در حال قدم زدن و کار کردن برای کسی که خود را مالک او فرض می‌کند، باشد. محققان امروزی، برده‌داری را این‌طور تعریف می‌کنند: «اجبار به کسی برای کار با تهدید فیزیکی یا روانی، مالکیت یا کنترل فرد از سوی یک کارفرما به‌وسیله آزار فیزیکی و روانی یا تهدید به آن، رفتار غیرانسانی و استفاده از فرد به‌عنوان کالایی که امکان خرید و فروش دارد و محدودیت فضای زندگی، یا زندانی کردن یک انسان...»

با برآوردهای انجام شده، قیمت متوسط یک برده ۹۰ دلار می‌شد. به طوری که افراد به‌صورت میانگین با این قیمت خرید و فروش می‌شدند. جالب است بدانید که در سال ۱۸۵۰، میلادی یک برده معادل ۴۰ هزار دلار امروزی ارزش داشت و به‌نظر می‌رسد گسترش برده‌داری ارزش زندگی انسان‌ها را هم کم کرده، طوری که سیستم برده‌داری جدید، خوب جای خود را باز کرده است. در جهان مدرنی که زندگی می‌کنیم هنوز سالانه بیش از ده‌ها میلیون نفر بر اثر گرسنگی جان می‌دهند، ولی هیچ‌کسی

شنوای صدای گرسنگان نیست. همه تحت تأثیر جریان اقتصادی حاکم بر جهان، فقط خود را می بینند. چرا راه دور برویم. هر روز در مسیر رفت و آمد خودم! گم شدن کرامت انسانی را بارها به چشم می بینم. انسان هایی که تا نیمه، داخل سطل زباله به دنبال ته مانده غذای انسان دیگر می گردند. تماشایی که سؤالی برایم می شد مگر درخواست این ها از زندگی چیست؟ و بی اختیار بیت «بنی آدم اعضای یک پیکرند» استاد سخن، سعدی در گوشم زمزمه می شود.

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند.

به امید دنیایی انسانی تر...

علی قائمی خوش بین و فرحناز باغانی

۱۳۹۹:

www.ketab.ir